حق با شماست

info@jamejamonline.ir

روابط عمومی: ۲۲۲۶۲۱۴۲

#ترافیک_تاکسی
نیتی از تهران:
تاکسی‌های میدان ونک برای پیاده کردن مسافران در وسط خیابان توقف می‌کنند که باعث ترافیک در این محدوده می‌شود، البته در ساعات اوج ترافیک و تعطیلی اداره‌ها این تخلف بیشتر است.

#تبلیغات_مزاحم
قلی‌زاده از تهران:
چرا وزارت ارتباطات و مخابرات اقدامی برای متوقف کردن پیام‌های ضبط‌شده تبلیغاتی یا بازاریاب‌های تلفنی که با منازل شهروندان تماس می‌گیرند، صورت نمی‌دهد؟

#چالش_عوارض
مهرپور از پرند:
پرداخت عوارض آزادراه برای شهروندان ساکن شهر پرند به یکی از چالش‌های آنها تبدیل شده و تاکنون فکری برای حل آن در نظر گرفته نشده است.

#بیماری_گرانی
یزدانی از تهران:
گرانی لوازم ارتوپدی که بیماران مبتلا آرتروز، دردهای مفاصلی و.. از آن استفاده می‌کنند، باعث فشار زیادی برای این بیماران شده است.

#گوشت_گران
نوبخت از تهران:
با گذشت چند ماه از وعده دولت نسبت به کاهش قیمت دام و گوشت قرمز و ثبات بازار، هیچ نشانی از این وعده‌ها دیده نمی‌شود.

#آلودگی_صوتی
خسروی از تهران:
کارگاه‌های ساختمانی که نیمه شب کار می کنند آنقدر آلودگی صوتی ایجاد می کنند که همسایه‌ها نمی‌توانند استراحت کنند. در خیابان جمالزاده اخیرا این ماجرا واقعا عذاب آور شده است.

جوابیه

در پی درج پیامی در ۲۱ خرداد ۱۳۹۸ با عنوان «خیابان- کم‌عرض» روابط عمومی شهرداری منطقه ۶ تهران با ارسال نمابری اعلام کرد: موضوع مورد اشاره مربوط به عدم رعایت قوانین توسط برخی رانندگان و راکبین موتورسوار است که منجر به بروز ترافیک مقطعی می‌شود. این در حالی است که براساس آمار موجود هیچ‌گاه خیابان شهید مطهری به عنوان یکی از مقاطع حادثه‌خیز سطح منطقه ۶ مطرح نبوده و صرفا ترافیک پرحجم در ساعات اوج عصر به‌عنوان یکی از معضلات ترافیکی این معبر نمود دارد.

ساخت زیورآلات با طلا و فلزات دیگر می‌تواند سود زیادی را نصیب شما کند

جویندگان طلا

عیسی محمدی
جامعه

رشته سر و شکل دادن به سنگ‌های قیمتی و نیمه‌قیمتی و جواهرآلات و طلا و ساخت زیورآلات از آنها از جمله مهارت‌هایی است که البته کارگاه‌های حرفه‌ای زیادی را سرگرم خودش کرده، اما شما می‌توانید این کار را در یک کارگاه نیمه‌حرفه‌ای در خانه‌تان هم انجام بدهید البته اگر مهارت آن را یاد گرفته باشید. در این بخش سراغ فرانک فیضی رفته‌ایم. فیضی، عضو هیات علمی گروه مهندسی معدن دانشگاه آزاد است و ۲۰ سالی می‌شود که سابقه تدریس و کارهای علمی دارد. مدت‌ها نیز جزو متولیان باشگاه پژوهشگران جوان دانشگاه آزاد بوده. این دانشیار دانشگاه آزاد که در رشته زمین‌شناسی اقتصادی و اکتشاف معدن کار می‌کرد، البته به واسطه این رشته با سنگ‌های قیمتی و نیمه‌قیمتی هم آشنا شد. به همین دلیل بود که سرانجام از رشته طلا و جواهرسازی سر درآورد و حالا در کنار کارهای دانشگاهی و علمی‌اش، این حوزه را هم دنبال می‌کند، به قول خودش «یک نوع همزیستی زیبا بین سنگ‌های طبیعی و فلزات قیمتی برقرار کرده‌ام.» او حتی آموزشگاه خودش را هم در این زمینه با مجوز سازمان فنی و حرفه‌ای راه انداخته و چند نمایشگاه نیز داشته است. از زبان این بانوی کارآفرین و درباره نگاهی که به این تخصص و کارآفرینی زنان دارد، بیشتر می‌خوانیم.

همه‌چیز دست‌ساز بود

می‌خواهم اول کمی از مسیری که طی کرده‌ام بگویم. این را به این علت توضیح می‌دهم تا خوانندگان نگویند یک نفر فرش قرمزی پهن شده و به اینجا رسیده. برای هیچ کدام از ما فرش قرمزی پهن نشده و همگی ما با موانعی روبه‌رو هستیم تا این مسیر را طی کنیم. من این کار را از حدود ده سال پیش آغاز کردم، زمانی که قطعات برنج و استیل یا اصطلاحا «خرج کار» را آماده می‌گرفتم و با سنگ‌های طبیعی زیورآلات می‌ساختم. بعد کم‌کم کارم را توسعه دادم و خرج کار را نقره می‌گرفتم. حاصل ساخته‌هایم را در شش نمایشگاه خانگی فروختم. منظورم از نمایشگاه خانگی این است که برای دو یا سه روز همه اسباب و وسایل اتاق پذیرایی را به اتاق خواب منتقل می‌کردم، سپس زیورآلات را روی تابلوهایی از جنس فوم با سوزن آویزان کرده و به دیوار نصب می‌کردم (همه چیز دست‌ساز و خانگی)! بعد به دوست و فامیل و آشنا خبر می‌دادم که در فلان تاریخ در منزل ما نمایشگاه زیورآلات است و از آنها دعوت می‌کردم بیایند و الحق آنها هم پشتیبانی می‌کردند.

نیاز مالی نداشتم، ولی شوق ساختن داشتم

یادم هست یک‌بار چند گردنبند و گوشواره و دستبند را به خودم آویختم و صبح با مادرم رفتم پارک قیطریه. صبح‌ها تجمع بانوان ورزشکار و آنهایی که به سلامت‌شان اهمیت می‌دهند در پارک‌ها زیاد است. خلاصه با کاغذهایی که آدرس و تاریخ و ساعت برگزاری نمایشگاه را در آن تایپ کرده بودم رفتم و هرجا عده‌ای از خانم‌ها را دور هم می‌دیدم، می‌رفتم و ضمن نشان دادن نمونه کارها، کاغذها را هم بین آنها پخش می‌کردم. مادرم دورادور نظاره می‌کرد و هوایم را داشت. بعد هم آمد و گفت وقتی از آن گروه خانم‌ها جدا شدی، به هم گفتند: «چه پررو بود!» یک‌بار هم تصادفا یکی از اساتید مطرح زمین‌شناسی که کاغذ تبلیغم را دیده بود، به نمایشگاه آمد و مطالب مهمی درباره سنگ‌ها به من آموخت و رفت. یک‌بار هم چند نفر از دوست‌های قدیمی آمدند و آنقدر مثل مغازه چانه زدند که از خودم متنفر شدم! خلاصه این‌که کوله‌باری از تجربیات گوناگون در زمینه‌های تولید و بازاریابی و فروش نصیبم شد.

آن موقع من در دانشگاه تدریس می‌کردم. ازدواج کرده بودم و یک بچه دوساله داشتم. واقعا نیاز مالی نداشتم، ولی هنوز که فکر می‌کنم می‌بینم چنان آتش اشتیاق ساختن و ارائه کردن درونم را می‌سوزاند که برای برگزاری نمایشگاه و ساختن زیورآلات رنگارنگ ساعت‌ها کار می‌کردم و خواب و خوراک را فراموش می‌کردم. من کارم را ابتدا با تلفیق سنگ‌های طبیعی با استیل و برنج شروع کردم. سپس از نقره برای خرج کار استفاده کردم و بعدتر نیز کارم طراحی آویزهای طلا شد که با لیزر برش داده می‌شد. بعدها برند خودم را هم ثبت کرده و جایی را برای کارگاه و آموزش و جای دیگری را هم برای گالری تدارک دیدم. البته سال ۹۷ به واسطه نابسامانی‌های قیمت طلا، سال خوبی برای ما نبود و به همین دلیل این سال را صرف مقدمات و بسترسازی گالری و کارگاه و آموزشگاه کردم.

این رشته برای هر کسی جایی دارد

رشته طلا و جواهرسازی آن‌قدر گسترده است که هر شخصی با هر توان مالی و در هر سطحی می‌تواند وارد آن شود. این رشته به ۳۲ زیرمجموعه یا حرفه تقسیم می‌شود که مهارت در هرکدام می‌تواند خود به تنهایی برای یک شخص کار و درآمد داشته و حتی برای عده‌ای اشتغال‌زایی کند. به عنوان مثال حرفه مخراج‌کاری، حرفه گوهرشناسی، حرفه ارزیابی سنگ‌های قیمتی، حرفه آبکاری فلزات قیمتی و.... اگر کسی در یکی از این حرفه‌ها ماهر باشد T می‌تواند در تمام کارگاه‌های طلا و جواهرسازی مشغول به کار شود. اگر سرمایه‌ای در حد ۵۰ میلیون تومان داشته باشید (که می‌شود با وام‌های کارآفرینی و تسهیلات اشتغال‌زایی و پس‌انداز شخصی به راحتی به این عدد رسید)، می‌توانید دستگاه‌های اولیه و الزامی یک کارگاه طلاسازی را در یک اتاق دارای تهویه مناسب به مساحت ۱۲ مترمربع برای خودتان راه‌اندازی کنید. اگر همین سرمایه و امکانات را هم ندارید، می‌توانید در برخی از حرفه‌های این رشته مثل جواهرسازی مهره‌ای مشغول به کار شوید. این حرفه به شما کمک می‌کند که زیورآلات را در هر سطحی به عنوان مثال گرانقیمت با مفتول طلا و نقره و سنگ‌های قیمتی و نیمه قیمتی یا در سطح ارزان‌قیمت با مفتول برنجی و مهره‌های شیشه‌ای، چوبی یا پلاستیکی با سلیقه خودتان بسازید. مزیت این حرفه این است که بدون نیاز به دستگاه‌های حرفه‌ای همچون کوره ذوب، دستگاه نورد و موتور پرداخت، تنها با شکل دادن به مفتول و قرار دادن مهره‌ها در میان آن می‌توان زیباترین زیورآلات را در گوشه اتاق خود ساخت. به عبارت دیگر کل ابزار و وسایلی که به آن احتیاج دارید، در یک سینی جای می‌گیرد.

صدای خاص خودتان را داشته باشید

امروزه با توجه به گسترش فوق‌العاده چشمگیری که کسب‌وکارهای اینترنتی یافته‌اند دیگر به‌راحتی می‌توان محصولات خود را در فضای مجازی معرفی و تبلیغ کرد. فقط کافی است کمی خلاقیت به خرج بدهید و طرح‌های تکراری نزنید. سبک خودتان را بسازید و از کسی تقلید نکنید. در این حرفه انواع نخ‌های رنگی، چرم، مفتول، مهره، بافت، دوخت و سه ابزار دستی (سیم‌چین، دم‌باریک و دم مفتول) به کمک شما می‌آید و دنیای بی‌انتهایی از طرح و رنگ و مدل را در مقابلتان می‌گستراند. با این حرفه می‌توان انواع گردنبند، دستبند، گوشواره و خلخال را مطابق سلیقه هر شخص با جنس و رنگ دلخواه او تهیه کرد.

کار برای خودتان

حال از یک زاویه دیگر و به بخش کوچکی از یکی از حرفه‌ها نگاه می‌کنیم. حرفه طلاساز مهارت لازم را درخصوص صفر تا صد ساخت یک قطعه زیور از جنس طلا یا نقره به شخص می‌دهد. یعنی ابتدا هنرجو فلز را ذوب می‌کند، در قالب می‌ریزد، با دستگاه نورد آن را به شکل مفتول، صفحه یا تسمه در می‌آورد و بعد با عملیات برش، جوشکاری، ساب و پرداخت قطعه مورد نظر خود را می‌سازد. ممکن است کسی بگوید انجام این کارها مستلزم داشتن دستگاه، فضا و سرمایه اولیه است؛ پس یعنی من هرگز نمی‌توانم وارد این حرفه بشوم. ممکن است بگوید دلم نمی‌خواهد در کارگاه دیگران کار کنم پس این حرفه به درد من نمی‌خورد. باز هم می‌گویم خیر، فقط بخش کوچکی از حرفه طلاساز تسلط بر اره‌کاری است. شما می‌توانید فقط با بستن یک تخته‌کوچک مخصوص اره‌کاری که به آن تخته پیشکار می‌گوییم، روی یک میز معمولی و داشتن یک کمان اره و چند تیغه‌اره انواع اشکال، طرح‌ها، نام‌ها و حروف را روی صفحه‌های آماده برنج، مس، نقره و طلا ببرید و به‌عنوان آویز گردنبند یا پلاک روی چرم دستبند بفروشید.

حال به دو صورت می‌توانید عمل کنید: یا برای طراحی از نرم‌افزاری مثل کورل یا ماتریکس کمک بگیرید یا به صورت بسیار ابتدایی طرح‌های خلاقانه خود را تمیز و ظریف روی کاغذ بکشید و بعد آن را مستقیما روی صفحه فلز بچسبانید و اره کنید.

اگر طرح شما خلاقانه و زیبا باشد و با سود کم شروع کنید، مطمئن باشید برای راه‌اندازی کسب‌وکارتان در منزل کفایت می‌کند.

بازاریابی را جدی‌تر بگیرید

پلاک‌های اره کاری شده می‌توانند در چه جاهای دیگری به‌کار بروند. آیا نمی‌توان آنها را روی یک صفحه با پوشش مخمل چسباند و یک قاب تزئینی درست کرد؟ آیا نمی‌توان آن را روی یقه یک لباس مجلسی متصل کرد؟ آیا نمی‌توان جلد چرمی یک دفتر خاطرات را با آن مزین کرد و یک هدیه نفیس ساخت؟ آیا نمی‌توان نمادها و اشکال مرتبط با مناسبت‌های خاص را اره‌کاری کرد مثل مادر، پدر، معلم و... و در روزهای جشن مربوطه با ادارات و سازمان‌های مختلف قراردادهای کوچکی بست و تأمین هدایای آنها را با قیمت بسیار ارزان به عهده گرفت؟ مثلا یک خانم با مدیر مدرسه فرزندش صحبت کند و برای جشن روز معلم برای همه معلمان یک دستبند برنجی به نام هر شخص اره‌کاری کند و بدهد؟ تمام سازمان‌ها برای برگزاری مناسبت‌ها و تهیه هدیه بودجه دارند. اگر کار خوب، با کیفیت و با قیمت مناسب عرضه شود قطعا شروع یک موفقیت بزرگ خواهد بود. حتی می‌توانید حالا که طلا و نقره گران شده و قدرت خرید مردم پایین آمده با یک فندک چینی مخصوص زرگری و یک تخته نسوز، زیورآلات مسی و برنجی تولید کنید. انگشتر و حلقه و دستبند بسازید. کار اگر زیبا و خلاقانه باشد جنس آن مهم نیست. مشتری همیشه قدر کار دست‌ساز را می‌داند. کار تک و منحصربه‌فرد را می‌شناسد و برای آن پول خرج می‌کند. نام رشته طلا و جواهرسازی نام پر زرق‌وبرق و شاید برای شروع کمی ترساننده و بازدارنده باشد، ولی با مثال‌هایی که برایتان زدم متوجه شدید که به حرفه‌های مختلف این رشته به راحتی می‌توان وارد بازار کار شد و حتی به شکل یک کسب‌وکار خانگی به آن نگاه کرد.

تجربیات یک استاد درس کارآفرینی

اینجا لازم است یک نکته را برایتان شرح بدهم. من در دانشگاه، علاوه بر دروس تخصصی زمین‌شناسی و معدن، کارآفرینی هم تدریس می‌کنم، چون گواهینامه مهارت کارآفرینی را از وزارت کار دارم. باورتان نمی‌شود که این سه واحد درس اختیاری که بچه‌ها معمولا در ترم آخر و با کمال بی‌انگیزگی و تنها برای پر کردن سقف واحدهای درسی برمی‌دارند، چه لذتی برای من و خود آنها دارد.

زمانی که تحول فکر و اندیشه و تغییر سبک زندگی را در طول یک ترمی که با هم سپری می‌کنیم در آنها می‌بینم، تمام خستگی‌های ۲۰ سال تدریس از تنم خارج می‌شود و قدرت پیدا می‌کنم که ۲۰ سال دیگر هم درس بدهم. شاید تنها بخش بسیار کوچکی از آن تحول مربوط به من می‌شود.

به نظرم این تغییرات نشان‌دهنده روح تشنه و پر توان و شاداب و جویای کار نسل جوان باشد که اگر در زمان درست استعدادیابی بشوند، بعد از اتمام تحصیلات بیکار و منتظر نمی‌مانند تا در گوشه‌ای از یک اداره، میزی به آنها تعلق گیرد. نگاه غلطی که در طول سال‌ها به مغز آنها رسوخ می‌کند که کار یعنی کارمندی و شغل یعنی استخدام در یک اداره دولتی. باورکردنی نیست که اولین سؤال من در کلاس این است: علاقه صددرصدی شما در زندگی چیست؟ و بچه‌ها در جواب با سکوت به نقطه‌ای خیره می‌شوند. وقتی دوباره می‌پرسم می‌گویند تا حالا به آن فکر نکرده‌ایم. وقتی می‌پرسم تصمیم دارید در آینده چه‌کار کنید؟

می‌گویند فعلا درس را تمام کنیم تا بعد ببینیم چه پیش می‌آید. وقتی می‌گویم آیا تا به حال خودتان پول درآورده‌اید؟ می‌گویند کار پیدا نمی‌شود.

در این میان برخی هم به گونه‌ای متفاوت جواب می‌دهند. به نظر من پاسخ این گروه دردناک‌تر است. چراکه به محض این‌که صحبت از کار و درآمدزایی می‌کنم با لحنی ناراحت که حاکی از جریحه‌دار شدن غرورشان است، می‌گویند: «ما نیاز نداریم. خدا رو شکر وضعیت خانواده خوبه!» این دیدگاه غلط نشان می‌دهد که کار کردن در ذهن این افراد یعنی نیاز مالی. یعنی خانواده‌ات از نظر مالی در سطح پایینی قرار دارد و تو مجبوری برای برآورده کردن نیازهای اولیه کار کنی و چقدر زمان یک درس سه واحدی در یک ترم کم و کوتاه است که بتوانی یک بنای ویران و سست بنیاد را خراب کنی و از ابتدا درست بسازی.

علاوه بر اینها تمرین کردن مهارت‌های ارتباطات اجتماعی مثل فن بیان، توانایی جلب اعتماد، توانایی شنیدن طرز تفکرهای مختلف و از همه مهم‌تر توانایی یافتن هدف اصلی زندگی و کاری که با تمام وجود دوست دارند همه در فهرست سرفصل‌هایی است که طی یک ترم کارآفرینی با دانشجویان تمرین می‌کنم و خدا را شکر می‌کنم تغییراتی که تا پایان ترم در این جوانان نازنین شاهد هستم چشمگیر است.